

چالش‌ها و موانع تحقق نظام انقلابی تمدن‌ساز

محمد نبی‌زاده^۱

سمیه نبی‌زاده شهراباک^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی نقطه‌عطفی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی پدید آمد و با دگرگون شدن معادلات حاکم بر زندگی جمعی، فضای مناسبی برای تمدن‌سازی اسلامی فراهم شد. از این رو، می‌توان گفت انقلاب اسلامی فرصتی بی‌بدیل در اختیار متولیان نظام اسلامی قرار داد تا الگوی تمدن اسلامی را طراحی و مراحل اجرایی آن را قدم به قدم دنبال کنند. نظام انقلابی بر آن است که با بهره‌گیری از دستاوردهای تمدن اسلامی، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که تمام جنبه‌های تمدنی را دربر داشته باشد. تمدن نوین اسلامی برای حرکت در مسیر صحیح، با چالش‌هایی مانند: فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف‌افکنی در میان مسلمانان، و موانعی چون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و توجه نکردن به عقلانیت دینی مواجه است. توجه به نقش رهبران دینی، فکری، فرهنگی و گروه‌های مرجع و نخبگان در هدایت مردم راهکار اصلی فرهنگ‌سازی در جامعه و مقابله عملی با مشکلات و موانع است. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است، ضمن آسیب‌شناسی، به بررسی موانع و چالش‌های پیش رو در تحقق نظام انقلابی تمدن‌ساز و تمدن نوین اسلامی پرداخته و راهکارهای مناسب برای تهدیدهای ممکن ارائه شده است.

واژگان کلیدی

نظام تمدن‌ساز، نظام انقلابی، گام دوم، تمدن‌سازی، تمدن نوین اسلامی.



۱. پژوهشگر مرکز علم و تمدن، پژوهشکده شهید صدر، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران
۲. کارشناسی ارشد، مهندسی کامپیوتر، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران

مقدمه

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، روندی نزولی را طی کرد؛ در حالی که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و ایجاد و بهره‌برداری از ابزارهای مختلف، قدم‌های بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسان‌ها برداشت. ضعف‌های داخلی حکومت‌های اسلامی و خودکم‌بینی مفرط ملت‌های مسلمان در رویارویی با پیشرفت‌های غرب، باعث شد عده‌ای از غرب‌زدگان راه پیشرفت را در پیروی از این تمدن جدید بدانند. با این وصف، به‌رغم تمام پیشرفت‌های صورت‌گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته است به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است، دست یابد.

دین اسلام از آغاز ظهور در مسیر تمدن‌سازی قرار داشت و در کنار دولت‌های ساختارمند مانند ایران و روم، ساختارهای تمدنی و سبک زندگی مبتنی بر نظر خداوند برپا ساخت؛ در مدت زمان کوتاهی شاخصه‌های پیشرفت جامعه را تحقق بخشید و برای جامعه ساختارهای حقوقی، آموزشی، کشاورزی، اقتصادی، مدیریتی و مانند آن را بنیان نهاد. این ساختارها و برنامه‌ها موجب تحول و پدید آمدن تمدن در جامعه جاهلی و بادیه‌نشین اعراب شد و آنان را به بزرگ‌ترین و اثرگذارترین تمدن تبدیل کرد. اعتقاد به اسلام به عنوان نظامی جامع که برای تمام ابعاد وجود انسان و جهان، در همه زمینه‌ها برنامه دارد، از مبانی و پیش‌فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی است.

تمدن نوین اسلامی که جوانه‌های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار شد، در سال‌های اخیر با بروز جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در میان ملت‌های مسلمان جهان که با نام «بیداری اسلامی» شناخته شده، روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته، جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقتناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدن‌های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت‌های غربی را نیز فراهم کرده، لزوم هوشیاری و توجه دقیق به مسئله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی را بیش از پیش نمایان ساخته است.



در چند قرن اخیر، پیشرفت‌های علم، فناوری، صنعت، اطلاعات و... مرهون تمدن مدرن غرب بوده است. در این میان، تمدن نوین اسلامی تلاش کرده است که با بهره‌گیری از ابزارها، مواهب و دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که تمام جنبه‌های تمدنی را دربرداشته باشد. فرهنگ‌های جاری جوامع، توسعه امکانات ارتباطی و آسیب‌های آن، گروه‌های فکری - اجتماعی مختلف و نیز رویارویی تمدن‌های مستقر جهانی با فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی، باعث بروز آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی بر سر راه این تمدن شده است. برای وصول به هدف حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح خود، ضروری است بررسی شود که چه آسیب‌هایی متوجه این تمدن است، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آن چیست و چه موانعی بر سر راه آن قرار گرفته است.

تعریف مفاهیم آسیب، چالش و مانع

«آسیب اجتماعی» هر نوع رفتاری است که با ارزش‌های شناخته‌شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. در واقع، آسیب مسئله‌ای درونی است که از درون تمدن ریشه گرفته است و با شیوه رفتار مردمان ارتباط دارد. «چالش» به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می‌شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می‌شود و مقابله با آنها و حل این مشکلات با دشواری‌های زیادی روبه‌روست. چالش می‌تواند از سوی هر دو نوع عوامل درونی و بیرونی ایجاد شود؛ هرچند اغلب چالش‌ها از بیرون تحمیل می‌شوند. سومین واژه، یعنی مانع، همچنان که از خود کلمه برمی‌آید، به معنای بازدارنده و جلوگیری‌کننده و عاملی است که همچون‌سازی باعث توقف حرکت یک جریان می‌شود. از این رو، با توجه به تفاوت‌های این سه دسته، به بیان مهم‌ترین عوامل هر کدام می‌پردازیم.

۱. آسیب‌های تمدن نوین اسلامی

با عنایت به وضعیت فعلی ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح‌ریزی و شکل بخشیدن به این تمدن نوین اسلامی هستند، می‌توان آسیب‌های زیر را برشمرد:

الف) عدم پیروی از رهبری واحد

هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند است که از مبدأ واحدی هدایت و رهبری شود.



این موضوع نباید با تک‌محوری اشتباه گرفته شود. تمرکز و یگانه بودن اتاق فرمان چنین حرکت‌هایی لازمه به نتیجه رسیدن آنهاست. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادات مختلف و متنوعی که از طریق متفکران، اندیشمندان و گروه‌های نخبه جامعه ارائه می‌شود، در مرکز واحدی تجمیع و مورد نقد و بررسی قرار گیرد و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین شود تا بتواند مورد قبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی - و به طور خاص شیعی - محوریت این تصمیم‌گیری «ولایت فقیه» است (رضایی، ۱۳۸۶: ۶۲). یکی دیگر از موانع احیای تمدن اسلامی، وجود برخی استنباط‌ها و برداشت‌های نادرست از روایاتی است که در منابع اسلامی آمده است؛ از جمله، روایاتی که پرچم‌داران قیام‌ها را طاغوت معرفی کرده و یا قیام‌های قبل از ظهور حجت را شکست‌خورده تلقی می‌کند. در اصل، تمسک به چنین اخباری از جهاتی ممنوع است؛ زیرا برخی از آنها جعلی و برخی هم به موضوع و حادثه شخصی مربوط است. بعضی از روی تقیه صادر شده و قسمتی هم از برداشت‌های غلط ناشی شده است. علاوه بر این، تمسک به چنین روایاتی با ادله قطعی عقلی و نقلی سازگاری ندارد؛ زیرا آیات و روایات زیادی مثلاً درباره امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه و جهاد با دشمن و عدم پذیرش ظلم و... وارد شده است، که با مفاد آن روایات در تعارض است. در هر حال، این هم یکی از چالش‌های موجود بوده است که حضرت امام خمینی (ره) بارها در مقابل آن موضع‌گیری کرده‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«ممکن است فراوان، روایت را نشان بدهند که [به‌وسیله] عمال ظلمه و آخوندهای درباری در تعریف و تمجید سلاطین جعل شده است. به طوری که ملاحظه می‌کنید، با دو روایت ضعیف چه بساطی راه انداخته و آن را در مقابل قرآن قرار داده‌اند. قرآنی که جدیت دارد برضد سلاطین قیام کنید و موسی را به قیام علیه سلاطین وامی‌دارد» (خمینی (امان)، ۱۳۷۷: ۱۳۵). برخی عقیده دارند تشکیل حکومت اسلامی تنها وظیفه امام معصوم (علیه‌السلام) است و هر حکومتی جز حکومت معصوم (علیه‌السلام) ناحق است. یکی از طرفداران این نظریه می‌گوید: «شما آن مصداق حاکم اسلامی را نشان بدهید، او که معصوم از گناه باشد و هوا و هوس و حب ریاست و... به هیچ وجه در او اثر نکند، نشان بدهید، او بیاید میدان، جلو بیفتد، ملت می‌افتد به پایش». حضرت امام راحل (رحمه‌الله) در پاسخ به این نوع تفکر می‌فرمایند: «اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها، بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است» (ضمیری، ۱۳۸۷: ۱۳۵).



بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب‌هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می‌کند، عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن اتاق فکر و تصمیم‌گیری است. در تاریخ موارد متعددی از تمدن‌ها و حرکت‌های تمدنی فکری و فرهنگی به چشم می‌خورد که در اثر تشتت آرا و عدم تصمیم‌گیری واحد، نتوانسته‌اند دوام چندانی داشته باشند. گروه‌های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ‌سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردارند. هرچه این گروه‌ها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند، تمدن‌سازی نوین اسلامی با دقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین، یکی از راه‌ها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید روی هویت، اصالت‌ها و ارزش‌های دینی جوامع اسلامی و بالتبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی است؛ به‌ویژه برای نسل‌های جوان و نیز نخبگان و تحصیل‌کردگان جامعه که به عنوان گروه‌های مرجع شناخته شده‌اند. انحراف و غربزدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان‌های تمدن نوین اسلامی خواهد شد (نقوی، ۱۳۶۳: ۱۳۵). به‌طور مسلم، وظیفه گروه‌های مرجع در این حوزه بسیار خطیر است و باید با توجه کامل به این مسئله، زمینه‌ساز ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی شوند.

ب) جدایی دین از سیاست

یکی دیگر از عوامل انحراف و سقوط مسلمین از قدرت، تلقی جدا بودن دین از سیاست و نیز ترویج آن است. لازم به ذکر است که ریشه چنین تفکری به پایان قرون وسطی در اروپا برمی‌گردد و پیدایش این تفکر در اروپا به منظور تقلیل و یا از بین بردن قدرت کلیسا و نیز فلسفه «اسکولاستیک» حاکم بر آن بود. بدیهی است وارد کردن چنین تفکری در فرهنگ اسلامی سزاوار نبوده، امری نابخردانه است. قیاس اسلام با مسیحیت موجود از جهات زیر مع الفارق است:

الف) رویکرد کلیسای سنتی در تبیین جهان و شکوفایی علم، متحجرانه بود، در حالی که چنین رویکردی مطرود اسلام است. اسلام با شکوفایی علم، مخالف نبوده، بلکه در تعالی آن کوشیده و در موقعیت‌های متعدد مشوق عالمان بوده است.

ب) سیره و سنت عملی کلیسا، پرداختن به حوزه اخلاق و غفلت از حوزه‌های دیگر بود. تفکیک کار حکومت از کار خدا و دین و به عبارتی، جداانگاری نهاد دین از نهاد سیاست،

به صراحت در گفتار کشیشان مطرح بوده است. در حالی که اسلام چنین رویکردی را نپذیرفته و برای تمام شئون فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان برنامه ارائه کرده است (ورعی، ۱۳۸۷: ۶).

متأسفانه جوامع مسلمین از خطر این نوع تفکر در امان نماندند و بعضی از عمال حکومت‌های مسلمین و نیز بعضی از روشن‌فکران وابسته، به ترویج و اشاعه این تفکر نامیمون در جوامع اسلامی پرداختند و آثار نامطلوب آن بر این جوامع و جامعه اسلامی ایران هویدا شد و این خود، ضربه سنگینی بر پیکره قدرت سیاسی اسلام وارد آورد.

رویه حرکت‌های بیدارگرانه و ضداستعماری با ماهیت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزایش و گسترش است. با توجه به سرعتی که این‌گونه فعالیت‌ها دارند، تشخیص و دقت نظر در بطن حرکت‌ها و توجه به ماهیت آنها بسیار ضروری است. سیاست‌زدگی و افسون قدرت باعث سوءاستفاده از این‌گونه جریان‌های مردمی و خیزش‌ها به سوی تشکیل تمدنی نوین می‌شود. در بعضی موارد پس از موفقیت اولیه حرکت، ماهیت واقعی آن به تدریج تغییر می‌یابد و مبتنی بر منافع مادی و سیاسی که می‌تواند ملی‌گرایانه محض و غیردینی باشد، نمود پیدا می‌کند و ماهیت درونی اسلامی آن مورد غفلت واقع می‌شود.

ج) عدم احساس استقلال ملت‌ها و خودباختگی آنها در برابر بیگانگان

از یک طرف، سلطه فراگیر فرهنگ غرب و شرق بر جوامع اسلامی و باوراندن این مطلب که چنین جوامعی بدون اتکای بر فرهنگ غربی و شرقی نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند و از طرف دیگر، تأثیرپذیری برخی از روشن‌فکران داخلی از فرهنگ‌های بیگانه، این باور را در آنها به وجود آورد که با عدم اتکا بر قدرت‌های اجنبی، نمی‌توانند زنده باشند و یا حق حیات برای آنها ثابت نیست. چنین تفکری باعث جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ دینی و نقطه انحراف از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) شد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «یکی از مصیبت‌های مهمی که برای ملت بار آوردند این که ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کردند. به این معنا که ما اگر یک مریض پیدا کنیم در تهران،... می‌گویند که اینجا نمی‌شود، بروید به انگلستان، بروید به پاریس، این مطلبی است که از دست آنها برای ما پیدا شده است؛ یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آنها» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ص ۲۱۵).



۲. چالش‌های تمدن نوین اسلامی

در راه ایجاد و توسعه تمدن نوین اسلامی مشکلاتی وجود دارد که غلبه بر آنها سخت است. نمونه‌هایی از این‌گونه مشکلات که می‌توان آنها را «چالش» قلمداد کرد، عبارت‌اند از:

الف) تقلیدگرایی از فرهنگ غرب

لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی عدم از تقلید از تمدن‌های غربی است. در دوره‌ای فردی مثل تقی‌زاده که در بین چهره‌های روشن‌فکر غرب‌گرا، از شهرت خاصی برخوردار بود، نه تنها شعار «از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد» را سر داد، بلکه به تعبیر خودش «اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد» (علوی، ۱۳۸۵: ۲۳) و در نهایت، به این آموزه‌ها نیز عمل کرد و تلاش فراوانی در همسان‌سازی اعمال و رفتار مردمان با شیوه‌های تمدنی غرب صورت داد؛ هرچند نتیجه‌ای جز تعارضات اجتماعی در بر نداشت. تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی جاری در ایران موجب ازهم‌گسیختگی اجتماعی شد. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت‌هاست.

«تهاجم فرهنگی» از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در روند استقرار تمدن نوین اسلامی در جامعه است. فرهنگ و تمدن غربی با تکیه بر ابزارها و امکاناتی که در قرون اخیر بدان دست یافته، در تلاش است که از نظر فرهنگی بر تمام جوامع بشری سیطره افکند. به بیان دیگر، تمدن غربی در تلاش است فرهنگ مادی صرف را که همه چیز را در مادیات و منافع دنیوی می‌بیند، در تمام جوامع به فرهنگ غالب تبدیل کند و راه را بر هر نوع بدیلی ببندد. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به آن دست یابد، اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان بود؛ آن هم به دلیل عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت نکردن اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات. چالش جدی تمدن نوین اسلامی تقابل با این تهاجم فرهنگی و بیرون راندن آن از لایه‌های مختلف اجتماع است. غرب با توجه به تلاش‌های فراوانش حداقل در صد ساله اخیر در راستای گسترش فرهنگ خود در سطح جهانی، توانسته است از طرق مختلف موفقیت‌های فراوانی کسب کند. فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل در جوامع از جمله نتایجی است که بر اثر این تلاش‌ها رواج یافته است (محمد مدنی‌بجستانی، ۱۳۷۴: ۸۴).



تأثیرپذیری شتاب‌زده از فرهنگ بیگانه و باور این نکته که سعادت و رشد ما در گرو پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ و عملکرد بیگانه است، «هجوم افکار بیگانگان غربی و شرقی در کشورهای اسلامی» بود. این عامل نیز یکی از مشکلات مهم در استقرار فرهنگ و حکومت دینی و استقلال عزت اسلامی به شمار می‌رود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره پرهیز کامل و عدم تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدن غربی خاطرنشان کردند: ما البته بنای بر غرب‌ستیزی نداریم، اما براساس بررسی و تحقیق تأکید می‌کنیم که تقلید از غرب، هیچ ملتی را به جایی نمی‌رساند. پوسته فرهنگ غربی پیشرفت‌ظاهری است، باطن آن «سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آفرین هویت‌زدای ضد‌معنویت» است. ایشان، با اشاره به تقلید از فرهنگ غربی در برخی مظاهر زندگی در کشور افزودند: باید با فرهنگ‌سازی لازم، یک حرکت تدریجی در زمینه اصلاح این مسئله ایجاد شود. چنانکه در بخش دیگری از سخنان خود، سوءاستفاده گسترده غرب از ابزار هنر، به‌ویژه هنرهای نمایشی و سینما را مورد اشاره قرار دادند و افزودند: سیاست‌مداران غربی با استفاده از این روش، به‌دنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در جوامع دیگر هستند. ایشان همچنین با استناد به تحقیقات به عمل آمده، افزودند: آنها در پروژه‌هایی تعریف‌شده، و با استفاده از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و مورخان نقاط ضعف ملت‌ها، به‌ویژه ملت‌های اسلامی را بررسی می‌کنند و با شناخت راه‌های تسلط بر آنها، ساخت فیلم‌های خاصی را به فیلم‌سازان سفارش می‌دهند. در این زمینه، همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور مراقبت کنند. معظم له بر این نکته تأکید دارند انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می‌تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان برپا سازد (معینی‌پور، ۱۳۹۱: ۷۶).

ب) اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان

وحدت و همبستگی از علایم حیاتی یک اجتماع است. جامعه امروز مسلمین به دلیل اختلافات داخلی و نزاع‌های آنان یک جامعه مرده است. چالش بسیار جدی که امروزه اکثر کشورهای اسلامی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، «اختلافات قومی و مذهبی» است. این مسئله قرن‌هاست به طرق مختلف ایجاد شده و بر آن دامن زده شده است. وحدت میان مسلمین به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنهاست.



با توجه به گسترش دنیای اسلام و اینکه جمعیت مسلمانان بیش از یک میلیارد نفر و روز به روز در حال افزایش است، طبیعی است که دشمنان اسلام نیز بیشتر می‌شوند و بیکار نمی‌نشینند و با نیرنگ‌ها و دسیسه‌ها باعث تفرقه و از بین بردن اتحاد بین مسلمین می‌شوند. از این رو، باید عوامل وحدت مسلمین را شناسایی و با راهکارهای درست و بجا به کار بست تا روابط بین آنها تحکیم شود و احدی نتواند زنجیر پیوند آنها را هم بشکند و از بین ببرد.

امام خمینی (ره) به عنوان یک روشنفکر مذهبی و یک مسلمان واقعی تمام جوانب را در نظر گرفته، برای امت اسلامی تلاش می‌کرد. اندیشه وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره) وسیله و ابزار اصلی نفی سیل و سلطه غیر مسلمان بر امت اسلامی بوده، وحدت رمز پیروزی و بقای امت اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۸). از جمله چیزهایی که برای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهان‌خوار لازم به تذکر است، آن است که نوعاً قدرت‌های ستمگر از راه ارباب و تهدید یا به‌وسیله بوق‌های تبلیغاتی خودشان و یا به‌وسیله عمال مزدور بومی خائن‌شان مقاصد خود را اجرا می‌کنند؛ در صورتی که اگر ملت‌ها با هوشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند، موفق به اجرای آن نخواهند شد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۹۱).

امام خمینی (ره) تفرقه - چه تفرقه میان دولت‌ها، چه تفرقه میان ملت‌ها و دولت‌ها، چه تفرقه بین مسلمانان و چه بین فرق مختلف اسلامی و چه تفرقه میان مسلمانان و غیرمسلمانان - را یکی از مهم‌ترین مشکلات جهان اسلام و اساسی‌ترین آسیب‌ها در دستیابی به «تمدن اسلامی» می‌دانند که به وسیله استعمارگران ساماندهی می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۳۷۴).

رمز اینکه امام (ره) پیوسته بر وحدت شیعه و سنی تأکید می‌کردند و وحدت میان اقشار گوناگون، اعم از حوزوی و دانشگاهی، عرب و فارس، کرد، لر، بلوچ، ملت و دولت را در سخنرانی‌های متعدد عنوان می‌کردند، همین بود که مبدا دشمنان اسلام و سایر ملت‌ها از اختلاف‌ها به نفع خود بهره‌برداری کنند.

در صورتی که وحدت در میان مسلمانان جاری شود، تحقق تمدن نوین اسلامی با سرعت بسیار بیشتری امکان‌پذیر خواهد بود. دشمنان به خوبی بر این نکته واقف شده، در تلاش هستند تا بتوانند این روند را با روش‌های گوناگون متوقف سازند. نمونه‌های این تلاش‌ها، ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریست و [وهابی] در میان مسلمانان و تقویت و پشتیبانی از آنان، مانند طالبان و القاعده است.

ج) طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه

با توجه به ظهور و بروز اغلب جریان‌های پوچ‌گرا در غرب و شیوع آنها به نقاط دیگر، می‌توان گفت ایدئولوژی مکاتب غربی که بر پایه اومانیزم بنا نهاده شده، پاسخگوی نیازهای اساسی بشر نبوده است و به‌رغم توسعه علم، ثروت و قدرت نظامی در این کشورها، احساس آرامش و امنیت در میان مردم وجود ندارد و روز به روز آمار جنایت، قتل و انواع فسادها رو به افزایش است. لذا تدوین و تبیین تمدن نوین اسلامی که بر پایه خدامحوری و ارزش‌های والای انسانی بنا نهاده شده است، می‌تواند نقشی مهم در اصلاح رویه‌ها و ساختارهای کشور و الگو شدن آن برای سایر کشورهای مسلمان و نیز تأثیری بسزا در رشد اسلام و صدور آن به جهان داشته باشد.

بزرگ‌ترین انتقادی که بر تمدن غرب وارد می‌شود، این است که بیشتر محصول تجربه مادی است تا تجاری که از خاستگاه و نیازهای معنوی بشر شکل گرفته باشد. در قرون وسطی رفتار دور از انسانیت داعیه‌داران مذهب (کشیشان) با دانشمندان و مردم، باعث فاصله گرفتن آنها از دین شد. این امر دو نتیجه دربر داشت: اول، پرداختن به ظواهر اشیاء و بی‌اعتنایی به تحقیق در ماهیت آنها و دوم، جایگزین کردن تفکر انسان محوری به جای تفکر خداپرستی.

دستاورد دیگر غرب مدرن، نیهیلیسم بود که در فارسی معادل پوچ‌انگاری یا یأس فلسفی ترجمه شده است. طرفداران نیهیلیسم، ساحت غیبی و حضور خدا را نیست می‌انگارند یا اگر به آن اعتقاد دارند برای این ساحت غیبی، جز مقام خالقیت، شأن حضور قائل نیستند؛ یعنی حضور، هدایت و تأثیرگذاری آن را بر زندگی رد می‌کنند (بهمن‌پور، ۱۳۸۶: ۸). بنابراین، عقلانیت در دنیای متمدن غرب، در خدمت منافع مادی قرار گرفته و به چیزی جز منافع مادی نمی‌اندیشند.

مادی‌نگری از آثار مخربی است که تمدن غرب بر جوامعی که بر آنها تسلط پیدا می‌کند، جاری می‌نماید. تفکرات صرفاً مادی و برپایه منافع شخصی که چهره ویژه‌ای در مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب دارد با گسترش در میان مسلمانان، چالش بزرگی را در میان اقوام و جوامع مسلمان ایجاد کرده است. نگاه مادی غالب در تفکر تمدن غرب با امکانات نظامی که در اختیار مستکبران قرار داده است، در تعارض جدی با دستورات و تعالیم اسلام است. این تفکر و رویکرد باعث شده است که تلاش مردمان نه بر رفع مشکلات و حواجی اقتصادی، بلکه بر ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی و تکیه و توجه به منافع شخص و مادی متمرکز شود. در این صورت، مهم‌ترین مشکلی که ایجاد خواهد شد، جلوگیری از جاری شدن فرهنگ اصیل اسلامی و به تبع آن، ایجاد مانع در تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد بود (مددپور، ۱۳۷۷: ۳۸).



د) بی‌توجهی به ارزش‌ها و سرمایه‌های دینی

به هدر رفتن نیروهای فکری جامعه: یکی از سرمایه‌های با ارزش در هر جامعه مغزهای متفکر آن است و به‌کارگیری صحیح این نیروها زمینه‌های ترقی و پیشرفت یک ملت را فراهم می‌سازد؛ در صورتی که این استعدادها و اندیشه‌ها در مجرای صحیح هدایت نشوند و در مسیر بیهوده مصرف شوند، جامعه ذخایری قیمتی را از دست می‌دهد.

امام خمینی (ره) در تبیین علت شکست‌ها و ضعف مسلمانان و برتری غرب بر آنها به عوامل مختلفی اشاره می‌کند، ولی در بین آنها بر یک مورد بیش از همه تأکید می‌نماید؛ به طوری که از نظر امام می‌توان آن را علت‌العلل ضعف و شکست مسلمانان در مقابل غرب دانست. امام (ره) که اندیشه و نظام فکری‌شان بر توحید و تعالیم دینی استوار است، آن دلیل را «دور شدن مسلمانان از تعالیم دینی» می‌دانند، به طوری که عواملی نظیر خیانت حاکمان کشورهای اسلامی، سستی مسلمانان در مبارزه و مقابله با هجوم فکری و سیاسی غرب، دل‌مشغولی مسلمانان به ارزش‌های مادی، گسترش فساد در جوامع اسلامی و... که باعث افول تمدن اسلامی، ضعف، تفرقه و شکست آنان در مقابل غرب شده است، همگی ریشه در یک عامل اساسی دارد که آن «غفلت از تعالیم الهی» است (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

افراط و تفریط در ارزش‌ها: احساس شخصیت و منش سبب پایداری اجتماع و ایجاد حس بی‌نیازی از جوامع دیگر شود. ملتی که شخصیت و فلسفه مستقلی در زندگی داشته باشد، در ملل دیگر تحلیل نرفته، جذب آنها نخواهد شد. افراط در پاره‌ای ارزش‌ها و غفلت از ارزش‌های دیگر سبب خروج از جاده اعتدال اسلام می‌شود. هیچ تفاوتی نمی‌کند که عبادت‌گرای جامعه‌گریز باشیم یا جامعه‌گرای خداگریز؛ این افراط و تفریط‌ها زیان‌های جبران‌ناپذیری در پی دارد.

شهید مطهری در مورد تمدن اسلامی می‌فرماید: «اسلام پنج قرن تمدنی را در سه مرکز بزرگ (اندلس، مصر، بغداد و ایران) به وجود آورد که مجموع اینها را «تمدن اسلامی» می‌نامند. شما قول جامعه‌شناسان غربی را در نظر بگیرید. مثلاً توین‌بی که مورخ جامعه‌شناس در زمان خودمان بود و چهار، پنج سال بیشتر نیست که مرده، تمدن‌های عالم را تقسیم‌بندی کرده است. سی و چند تمدن در دنیا تشخیص داده، بعد بعضی را کنار زده است و بعضی را درجه اول در نظر گرفته تا به پنج تمدن رسیده است. باز برخی از آنها را کنار زده و به سه تمدن رسانده است. در میان آن سه تمدن بزرگ جهانی یکی را «تمدن اسلامی» می‌شناسد.



دنیا تمدنی به نام تمدن اسلامی - نه تمدن عربی، نه تمدن ایرانی، نه تمدن هندی، نه تمدن ترکی - می‌شناسد. یکی از نیرنگ‌های غرب این بود که در پوست ملل مسلمان رفت [و میان آنها در باب تمدن اسلامی تفرقه ایجاد کرد]. چون نمی‌شد این تمدن گذشته را انکار کرد، در پوست عرب‌ها رفت و گفت تمدن عرب. حتی گوستاو لوبون وقتی کتاب می‌نویسد می‌گوید تمدن عرب. گو اینکه مترجم فارسی‌اش گفته تمدن اسلام و عرب، ولی او می‌گوید تمدن عرب؛ برای اینکه عرب بگوید این تمدن مال من بود. ولی وقتی که به ایران می‌آمدند، نقیض و ضد آن را به ایران تلقین می‌کردند که این تمدنی که در گذشته بوده، تمدن ایرانی بوده، بوعلی سینا وابسته به تمدن ایرانی است و از بقایای تمدن ۲۵۰۰ ساله پیش‌تر است! در جشن ۲۵۰۰ ساله چقدر کوشش می‌کردند روی مسئله استمرار فرهنگی تکیه کنند که ما در ۲۵۰۰ سال پیش یک فرهنگ را آغاز کردیم و آن فرهنگ با روح خاصی که داشته است، ادامه یافته تا به زمان ما رسیده است. بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، حافظ، مولوی و خواجه نصیرالدین طوسی زاده آن فرهنگ‌اند، همان روح است که تا زمان ما استمرار پیدا کرده؛ در صورتی که این یک دروغ محض است. تمدنی که در دوره اسلام شروع شد، با یک روح مخصوص شروع شد. این تمدن مثل هر تمدن دیگری از تمدن‌های دیگر جهان استفاده کرد، اما به صورت تغذیه نه به صورت التقاط، مثل هر جاندار جوانی که پیدا می‌شود و از محیط خودش تغذیه می‌کند، ولی معنی تغذیه این است که او را هضم می‌کند و به شکل خودش درمی‌آورد و روح خودش را به او می‌دهد. اما کاری کردند که ملت ما از تاریخ خودش بی‌خبر و به آن بی‌اعتقاد و بی‌اعتماد باشد. سال‌هاست که در میان ما تبلیغ می‌کنند، یک تبلیغ دروغ که اسلام نه تنها تمدنی را پایه‌گذاری نکرد، تمدن‌های گذشته را هم نابود کرد، تمدن مصر و تمدن ایران را از بین برد[!]. اینها کارهای حساب‌شده است، می‌خواهند ملت مسلمان به تاریخ اسلامی خودش بدبین شود. تمدن امروز اروپا در کمال صراحت، خودش را مدیون تمدن اسلامی می‌داند. خوب است که کتاب‌های فارسی در همین زمینه چاپ شوند. همان کتاب تمدن اسلام و عرب گوستاولوبون را بخوانید، کافی است. کتاب کارنامه اسلام اثر یکی از استادان دانشگاه تهران را بخوانید، با مدرک ثابت می‌کند که تمدن امروز دنیا و تمدن اروپا تا چه حد مدیون تمدن اسلام است! ولی ما از تاریخ خودمان بی‌خبریم (مطهری [شهید]، ۱۳۸۹: ۴۲).



۳. موانع تمدن نوین اسلامی

بر سر راه تمدن نوین اسلامی، در کنار آسیب‌ها و چالش‌هایی که وجود دارد موانعی نیز باعث کندی حرکت و جلوگیری از انجام برنامه‌ها و تمدن‌سازی می‌گردد. نمونه‌هایی از این موانع را می‌توان این گونه نام برد:

الف) مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان

وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در صورتی که این مؤلفه با مشکل روبه‌رو شود، تأثیر فراوانی در سایر جنبه‌های مادی و معنوی جامعه نیز خواهد گذاشت. احادیث فراوانی درباره فقر در کتب حدیثی موجود است و توجه به باب‌های مربوط به امر تجارت و مسائل مالی در احکام فقهی نشانگر اهتمام خاص اسلام بر این مسئله بوده است. فرهنگ‌سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه ساخت‌های اقتصادی که توان اجرای آنها را داشته باشد، امکان‌پذیر نخواهد بود. منظور از این بحث رفاه کامل مادی جامعه نیست، بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و جلوگیری از برهم ریختگی در این حوزه، کمک زیادی به پیشبرد اهداف فرهنگی خواهد کرد (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۳).

البته یکی از ضروریات حل مسائل اقتصادی نیز ارائه راهکارهای فرهنگی و نیز بالا بردن وضعیت فکری جامعه و دادن قوه درک و فهم دقیق مسائل به مردمان است تا مسئولان امر را در رسیدن به اهداف مطلوب خویش یاری کنند.

ب) بی‌توجهی به عقلانیت اسلامی

از منظر اسلام، عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می‌دهد و بندگی او را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره‌مندی از قوه عاقله در جهت گرایش‌های عالی انسانی و الهی تعقل می‌کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می‌دهد. «در واقع، تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی به وجود نمی‌آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشن‌فکران مسلمان است که از یک‌سو، در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمای اسلام در فلسفه، عرفان، حدیث و ... و معارفی که امروز بشر بدان‌ها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام



را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر، این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد، برای عموم تشریح کنند» (لاریجانی، ۱۳۷۰: ۲۳)

امام خمینی (ره) معتقدند انسان به طور کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است: نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام مُلک و عالم شهادت. از این رو، بر این باورند که انسان دارای سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است. دستورات انبیا و اولیای الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می شود (خمینی (امام)، ۱۳۷۷: ۳۸۷). براساس مبنای فوق یعنی اعتقاد به لایه‌های سه‌گانه وجود انسان، ایشان معتقد به سه سطح برای عقلانیت انسان هستند:

الف) «عقلانیت معرفتی» که در آن انسان به دنبال شناخت فلسفه آفرینش جهان و انسان و تنظیم رابطه خویش با خالق هستی و جهان و پاسخ به پرسش‌های بنیادین بشریت است.

ب) «عقلانیت اخلاقی» که به موجب آن انسان در پی آن است که با مجاهده نفس و استخدام اخلاق حسنه و ملکات فاضله در مسیر رسیدن به غایت قصوای الهی قرار گیرد.

ج) «عقلانیت ابزاری» که براساس آن، انسان ضمن همخوانی با سطوح دیگر عقلانیت - عقلانیت معرفتی و اخلاقی - در پی آن است که با کار بست عقل در محاسبات مادی به شکوفاسازی جهان ماده و پیشرفت دنیوی نایل آید.

نتیجه آنکه امام خمینی (ره) عقلانیت معرفتی، اخلاقی و ابزاری و کار و تلاش را از ارکان تمدن نوین اسلامی برمی‌شمارند (خمینی (امام)، ۱۳۸۵: ۸).

یکی از موانع اصلی پیشرفت در جامعه اسلامی دگم‌اندیشی دینی و مذهبی و عدم توجه به عقلانیت دینی است. اشاعره و اخباریان نمود اولیه و اصلی این نوع تفکر بوده‌اند. پویایی دستورات و احکام دینی که به اصطلاح «فقه پویا» نامیده شده است، یکی از جنبه‌های مهم اسلام است که در میان برخی جوامع مورد غفلت واقع شده و در برخی موارد دیگر با افراط مواجه شده و آسیب‌های جدی وارد کرده است.

عمده مشکلات و فاصله‌هایی که میان احکام و دستورات دینی و رفتار و فرهنگ مردم در جوامع مختلف بروز کرده، ریشه در نبود عقلانیت دینی داشته است و [به علت] عدم تفکر و تعقل رهبران دینی در احکام و بازنگری همراه با تفسیر و توضیح درست آن است. از سوی



دیگر، عقلانیت صرف بدون داشتن صبغه و رنگ دینی و عدم مراجعه به ضروریات دین، باعث کج‌روی‌های زیادی شده است. هر دو لبه این بحث که همانا تکیه بر عقل بدون توجه به تعالیم دینی و برخلاف آن، دگم‌اندیشی و عدم اعتنا به تفکر و استنتاج عقلی، در فرایند احکام فقهی از جمله موانع حرکت درست تمدن نوین اسلامی برشمرده شده‌اند (براتلو، ۱۳۸۸: ۲۱۱). از این رو، در دوران معاصر با توجه به سیطره تمدن غربی بر دنیا می‌بایست پیش‌قراولان عقلانیت اسلامی به دنبال شناخت و ارائه ساختارهای نوین تمدن اسلامی و تلاش در جهت مقبولیت عمومی آن باشند (لاریجانی، ۱۳۷۰: ۱۷)

نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است، با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و نیز تلاش‌ها و مقابله‌های صورت‌گرفته از سوی غرب، با آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی روبه‌رو شده که از جمله آنها می‌توان به عدم پیروی از رهبری واحد، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها، تقلیدگرایی از فرهنگ غرب، اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان، طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و بی‌توجهی به عقلانیت اسلامی اشاره کرد.

راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها، چالش‌ها و موانع را می‌توان چنین بیان کرد:

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها: دقت در تطابق فعالیت‌ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز شناساندن رهبران و مجریان حرکت‌ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

تقلیدگرایی از فرهنگ غرب: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش کنند تا این چالش جدی به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه تبدیل شود.

بهره‌گیری مناسب و به‌روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد، از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به



آن دست یابد، اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه بی‌توجهی به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. از این رو، در راه شکوفایی و گسترش تمدن نوین اسلامی می‌بایست از تقلیدگرایی پرهیز شود. اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان: برای فرهنگ‌سازی و روشنگری در میان جوامع مسلمان و نیز تبدیل عوامل تفرقه به وحدت باید به حدیث ثقلین پیامبر(ص) توجه کرد. حدیث ثقلین یکی از حدیث‌های متواتر پیامبر اسلام است، یعنی زیاد تکرار شده و امکان جعلی بودن آن صفر و غیر ممکن است. شیعه و سنی باید به دقت به آن توجه کنند. پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا أَلَا هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ فَاشْرَبُوا وَ هَذَا مِلْحٌ أَجَاجٌ فَاجْتَنِبُوا»: «من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می‌گذارم: یکی کتاب خدا قرآن و دیگری، عترت و اهل بیت خودم. مادام که شما به این دو دست بیازید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من، هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند.»

در این حدیث کامل به قرآن اشاره شده است که منبع محکمی برای شیعه و سنی است و آیات بسیاری در مورد وحدت و تفرقه آورده است که اگر شیعه و سنی به آن چنگ بزنند، گمراه نمی‌شوند. همچنین در روایات بسیاری از ائمه معصوم نیز به این دو مهم یعنی وحدت و تفرقه اشاره شده است. فقط کافیست با دیدی متفکرانه به آنها نگریم و نکات آن را استخراج کرد. طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه: از جمله راهکارهای مهم در این زمینه عبارت‌اند از: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه با بیانی شیوا و در زبانی قابل پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات. جامعه‌ای که در پی ساختن تمدن نوین اسلامی است، ضرورت دارد برای رسیدن به این هدف، به خود متکی باشد و خودباوری را در جامعه رواج دهد. سرمایه دینی، سرمایه‌ای بس گرانبها برای هر جامعه‌ای است. تمدن‌سازی نوین دارای مشکلات و دشواری‌هایی است که صبر، استقامت و پشتکار می‌طلبد که جز با توسل به سرمایه‌های [دینی] امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه باعث می‌شود هر فعالیتی به سرانجام مطلوب خود برسد داشتن خودباوری و باور به موفقیت است. باور در ذات خود نیرویی به انسان می‌دهد که تلاش او را چندین برابر می‌کند.



برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار، می‌تواند انجام شود. اعتقاد داشتن به این که کاری می‌تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت وامی‌دارد. وقتی به کاری باور داشته باشید، فکرتان راه‌های انجام آن را پیدا می‌کند. این آزمایش، تنها یک نتیجه دارد و آن این که وقتی بپذیرید که چیزی ناممکن است، فکرتان در پی دلایلی می‌گردد که این مطلب را اثبات کند؛ ولی وقتی باور حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است، فکرتان راه‌های انجام آن را می‌یابد. باور داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه‌حل‌های خلاق هموار می‌سازد؛ در حالی که باور داشتن به عدم تحقق آنها، تفکری ویرانگر است. باور به اینکه می‌توان تمدنی نوین در جهان اسلام ایجاد کرد، مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود.

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: در تمدن‌سازی جدید اسلامی، هدف اصلی اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام است. به کار بستن بی‌کم و کاست تعالیم اسلام باعث خواهد شد که از رویگردانی از اسلام به بهانه‌های مختلف جلوگیری شود. اسلام‌هراسی که امروزه به شدت از سوی بنگاه‌های تبلیغاتی غرب ترویج می‌شود، ناشی از برخی کج‌فهمی‌ها و کج‌روی‌ها در عمل به تعالیم اسلام است. در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسان، از اصطلاح «عقل معاش» نام برده شده است. عقل معاش را می‌توان در مفهوم جامع خود مترادف «سبک زندگی» دانست، زیرا ناظر به مهم‌ترین محورهای سبک زندگی است. عقل معاش به تعبیری همان عقل زندگی، عقل اقتصادی و عقل اجتماعی است، که به فردی که در جامعه زندگی می‌کند و به نوعی درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی است توانایی فعالیت مؤثر را می‌دهد. عقل معاش با شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، کار و تولید، شیوه‌گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی، بهداشت، سلامت و بسیاری از مسائلی که در متن زندگی ما مطرح است ارتباط دارد.

بی‌توجهی به عقلانیت اسلامی: در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان تبیین‌کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد کرد. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن، در مسیر نیل به کمال حرکت کند. لزوم ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی برپایه اصول و مبانی دینی و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به سوی این مسیر روانه کرد.



منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- اردوش، محمدحسن (۱۳۸۴)، تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با تکیه بر جنبش اتحاد اسلام، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- براتلو، فاطمه (۱۳۸۸)، درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی، نامه پژوهش فرهنگی، س ۱۰، ش ۶.
- بهمن‌پور، محمدسعید (۱۳۸۶)، فراز و نشیب عقلانیت، تهران: نشر نوادر.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خیری، حسین (۱۳۹۱)، تمدن نوین اسلامی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۶)، مهندسی تمدن اسلامی، قم: انتشارات فجر ولایت.
- ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۷)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: عروج.
- علوی، سیدعلی (۱۳۸۵)، زندگی و زمانه سیدحسن تقی‌زاده، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۰)، تمدن نوین براساس عقلانیت اسلامی، نشریه مجلس و پژوهش، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مددپور، محمد (۱۳۷۷)، زندگی در برزخ تمدن غربی و تمدن اسلامی، تهران: کتاب نقد.
- مدنی‌بجستانی، محمد (۱۳۷۴)، مقابله با تهاجم فرهنگی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، آینده انقلاب اسلامی ایران. قم: نشر صدرا.
- معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۱)، ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری؛ فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۷۱)، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه انقلاب، وصیت‌نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه نور، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میثم طاهری، میثم (۱۳۸۸)، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



- نقوی، علی محمد (۱۳۶۳)، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ورعی، سیدجواد (۱۳۸۷)، امام خمینی و احیای تفکر دینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- Challenges and obstacles to the realization of the revolutionary system
of civilization



